

A comparative study of " execution of probation for children and adolescents" in Iranian and Egyptian law

Bagher Shamloo

*Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law,
Shahid Beheshti University
(Email: b_shamloo@sbu.ac.ir)*

Hossein Sobhani*

*PhD student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political
Science, Allameh Tabatabaee University*

Mahdi Hosseini

*PhD Student in Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Faculty
of Law, and Master of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of
Theology, Imam Sadegh (AS) University
(Email: Hosseini.mhdi@gmail.com)*

(Received: 2021/10/03, Accepted: 2022/03/09)

Abstract

Children and adolescents are more likely to be harmed by others in terms of age and personality against social events, including deviance and delinquency. In fact, despite the fact that it is one of the barriers to criminal liability, but the vital and criticality of childhood and adolescence has led the legislator to design the rules among the child's behavioral and pedagogical factors and the system for responding to these social incompatibility behaviors in a special and differential legal system. Our lawmakers in the Islamic Penal Code of 2013, in pursuit of this goal, have enacted the following laws under Chapter 10 of the Law on the penalties and measures for the education of children and adolescents. In the Criminal Procedure Code of 2013, the title of the chapter on the enforcement of laws is limited to children and the institution implementing the judgments of children and adolescents. This study seeks to investigate the fact that although legislated materials for children and adolescents can be effective in the rehabilitation and development of children and adolescents, but in the Iranian penal system, what executive solutions are provided for these regulations and what are the executive challenges that they may face with in the implementation of criminal sentences. In this regard, the system of execution of criminal sentences of Iranian and Egyptian law is compared with a pathological view of Iranian law in order to provide effective suggestions for reforming the system of execution of criminal sentences of children and adolescents in Iran. It should be noted that this research has been done by descriptive-analytical method and in the collection of resources, the library method has been used.

Keywords

Children and adolescents, Egyptian criminal law, Execution of criminal sentences, Iranian criminal law, pathology.

* Corresponding Author; Email: hemmmat.ebrahim@gmail.com, Fax: 0982141425555

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۳، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۴۰۱

صفحات ۲۰۹ تا ۲۳۶ (علمی - پژوهشی)

مطالعه تطبیقی اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به کودکان و نوجوانان در حقوق ایران و مصر

باقر شاملو

دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (ره)

(Email: b_shamloo@sbu.ac.ir)

حسین سبحانی*

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

مهدی حسینی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (ره)

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

(Email: Hosseini.mhdi@gmail.com)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸)

چکیده

کودکان و نوجوانان به لحاظ سنی و شخصیتی در برابر وقایع اجتماعی از جمله انحراف و بزهکاری در معرض آسیب بیشتری قرار دارند. به عبارت بهتر، صغر سن با آنکه از موانع مسئولیت کیفری به‌شمار می‌آید، اما حیاتی بودن دوران کودکی و نوجوانی، قانون‌گذار را بر آن داشته است تا قواعد مربوط به عوامل رفتاری و تربیتی کودک و نظام پاسخ‌دهی به این رفتارهای ناسازگار اجتماعی را در یک نظام حقوقی افتراقی طراحی کند. قانون‌گذار ایران در پی نیل به هدف یادشده، قوانین را ذیل فصل دهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با عنوان مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان به تصویب رساند. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز ذیل فصل اجرای احکام، قوانینی را به‌صورت محدود برای نهاد اجرای احکام اطفال و نوجوانان مقرر نموده است. این پژوهش در پی دستیابی به پاسخ‌های این مسئله است که اگرچه مواد تقنینی در خصوص کودکان و نوجوانان می‌تواند در بازپروری و رشد آنان مؤثر باشد، اما در نظام کیفری ایران، چه راهکارهای اجرایی برای این مقررات پیش‌بینی شده و این مقررات در مرحله تحقق غرض قانون‌گذار که همان اجرای احکام کیفری است، با چه چالش‌های اجرایی مواجه است؟ در این راستا، به مقایسه اقدامات تأمینی و تربیتی و نظام اجرای احکام کیفری کودکان و نوجوانان در حقوق ایران و مصر با نگاهی آسیب‌شناسانه به حقوق ایران پرداخته می‌شود تا از این رهگذر بتوان در جهت اصلاح نظام اجرای احکام کیفری کودکان و نوجوانان ایران، پیشنهادهایی کارآمد را ارائه نمود. شایان ذکر است که این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در جمع‌آوری منابع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژگان کلیدی

اجرای احکام کیفری، کودکان و نوجوانان، اقدامات تأمینی و تربیتی، حقوق کیفری ایران، حقوق کیفری مصر.

مقدمه

نظام عدالت کیفری ویژه اطفال بزهکار از یک سو، از کودکان در معرض خطر از رهگذر اقدام‌های مدنی و پرورشی به‌منظور پیشگیری از مجرم و بزه‌دیده شدن آنان در آینده حمایت می‌کند و از سوی دیگر، با اقدام‌های بازپرورانه و اصلاحی در مقام پیشگیری از تکرار جرم آنان است (عویس، ۱۹۶۹: ۶۵۲). درنهایت با توجه به سابقه خانوادگی، محیطی، تحصیلی و اجتماعی آنان و با تداوم بخشیدن به این اقدام‌ها، و نیز تعمیم آن‌ها به مادران و پدران، مربیان، همسالان و... درواقع نظام عدالت کیفری به‌دنبال پیشگیری از مقاوم شدن آنان در مقابل بزهکاری (مهر، ۱۳۸۱: ۲۸۷-۲۷۱؛ همو، ۱۳۸۵: ۴۳) و داشتن نسلی متناسب با ارزش‌ها و هنجارها در آینده است (راشد، ۱۹۲۷: ۶۵۷).

کودکان و نوجوانان به لحاظ سنی و شخصیتی در برابر وقایع اجتماعی ازجمله انحراف و بزهکاری در معرض صدمه و آسیب بیشتری نسبت به دیگران قرار دارند. در حقیقت، روی آوردن آنها به ارتکاب جرم نتیجه نقصان و آسیب‌دیدگی نهادهای اجتماعی ازجمله خانواده، مدرسه، محله و... در ایفای وظایف و رسالت‌هایی است که در جامعه برای آن‌ها تعریف شده است (بسیسو، بی‌تا: ۱۳۶). از منظر جرم‌شناسی کودکان، صغار بزهکار (معارض با قانون)، منحرف و ناسازگار نیز شایسته حمایت نظام کیفری هستند که در مقام جبران قصور محیط‌های اجتماعی شخصی خانوادگی و تحصیلی، بیشتر با کمک نهادهای جامعه مدنی به‌ویژه خانواده اعمال می‌شود (مدنی قهفرخی و زینالی، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۸). صغر سن با آنکه از موانع مسئولیت کیفری به‌شمار می‌آید، ولی حیاتی و بحرانی بودن دوران کودکی و نوجوانی، قانون‌گذار را بر آن داشته است تا میان عوامل رفتاری و تربیتی کودک و نظام پاسخ‌دهی به این رفتارهای ناسازگار اجتماعی، قواعدی را در یک نظام حقوقی اختصاصی و افتراقی طراحی کند (المرصفی، ۱۹۵۵: ۳۸). قانون‌گذار ما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در پی دستیابی به هدف یادشده، قوانین را ذیل فصل دهم قانون پیش‌گفته با عنوان «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» به‌تصویب رساند. در قانون آیین دادرسی کیفری نیز ذیل سرفصل اجرای احکام، قوانینی را به‌صورت محدود برای کودکان و نهاد اجرای احکام اطفال و نوجوانان مقرر نموده است.

بدیهی است اگر رأی صادره که با تمام تلاش‌ها و کوشش‌های مراجع کیفری به نتیجه رسیده و بار مالی سنگینی نیز بر دوش دولت و جامعه گذاشته است، به‌موقع اجرا نشود یا قدرت و توان لازم را در اجرا نداشته باشد، نخواهد توانست هدف‌های مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی را برآورده سازد. به‌عبارت بهتر، تا زمانی که حکم در مراحل مختلف دادرسی کیفری ازجمله کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی به نتیجه نرسیده است، نمی‌تواند

هدف‌های اعمال مجازات را تأمین نماید. بنابراین «اجرای احکام کیفری» آخرین مرحله از فرایند رسیدگی قضایی و برآیند کلیه اقدامات، تحقیقات، تعقیب، دادرسی و صدور حکم تلقی می‌گردد (رفعیان، ۱۳۹۰: ۲) که به‌منظور طراحی نظام افتراقی نیازمند توجه ویژه است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی در پی بررسی این مسئله است که هرچند مواد قانونی در خصوص کودکان و نوجوانان می‌تواند در بازپروری و رشد آنان مؤثر باشد، اما چه راهکارهای اجرایی برای این مقررات در نظام کیفری ایران پیش‌بینی شده است و این مقررات چگونه می‌تواند در مرحله اجرا غرض قانون‌گذار را محقق نماید؟ در جهت دستیابی به هدف یادشده، این مقاله با بررسی قوانین حاکم بر اجرای احکام کیفری کودکان و نوجوانان در نظام حقوق کیفری مصر^۱ و تطبیق آن با قوانین ایران، به واکاوی آسیب‌های موجود در نظام حاکم بر قوانین اجرای احکام کیفری کودکان و نوجوانان می‌پردازد. بر این اساس، ابتدا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در قوانین کیفری ایران و مصر تشریح شده، سپس با نگاهی آسیب‌شناسانه به نقش مددکار اجتماعی و قاضی اجرای احکام کیفری به‌عنوان دو مقام که مهم‌ترین نقش را در نهاد اجرای احکام کیفری اطفال و نوجوانان ایفا می‌کنند، پرداخته می‌شود.

۱. اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در قوانین کیفری ایران و مصر

هم‌زمان با تحولاتی که در مفهوم، نوع و کیفیت جرم و بزهکاری در سده‌های اخیر رخ داده و دولت‌ها را با بزهکاری اطفال که پیچیده و متفاوت از گذشته است، مواجه ساخته است، «واکنش اجتماعی علیه جرم» نیز به تناسب شاهد دگرگونی‌های وسیعی بوده است. مجازات زندان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مجازات‌های کیفری، امروزه بیش‌ازپیش مورد بحث و مناقشه قرار می‌گیرد. امروزه این امر مسلم شده است که مجازات زندان می‌تواند ناقض حقوق بشر محسوب گردد، زیرا آثار و پیامدهایی دارد که با هدف و غرض اصلی از اعمال مجازات زندان کاملاً متفاوت است. کارگزاران قضا به این نتیجه رسیده‌اند که مجازات کودکان موجب دستیابی به نتیجه پیشگیری از ارتکاب جرم نشده، بلکه مضرات فراوانی را نیز داشته و همین، سبب گردیده است تا به شیوه‌هایی غیر از زندان متوسل شوند (هاشمی خانعباسی و روکا، ۱۳۹۳: ۱۴). از سوی دیگر، در بیشتر کشورهای دنیا نظام قضایی کنترل نوجوانان و کودکان را از بزرگسالان متمایز ساخته است و تحت مراقبت مددکاران اجتماعی و با رویکرد بازپروری به اصلاح کودکان و نوجوانان می‌پردازد (احمدی، ۱۳۸۸: ۸). در ماده ۸ «حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان» (مقررات پکن)، ممانعت و اجتناب از آسیب رساندن به نوجوانان طی فرآیند برچسب زنی، به عنوان حق بر داشتن حریم خصوصی، مورد اشاره قرار گرفته است. (سیگل، ۱۳۷۹: ۸۸). بنابراین،

۱. مراد نویسندگان از مفهوم نظام حقوق کیفری مصر، قانون اطفال و نوجوانان مصوب ۲۰۰۹ پارلمان مصر است.

دادگاه اطفال تنها یک محکمه نیست که کودک را مجازات کند، بلکه یک مؤسسه است که باید به رشد اجتماعی وی کمک نماید (المیدانی، ۱۹۵۴: ۱۹؛ العانی، ۱۹۵۱: ۳۲).

از منظر اصطلاح‌شناسی در علوم اجتماعی و روان‌شناسی، کودک و نوجوان کسی است که هنوز به کمال رشد اجتماعی و روانی خود نرسیده است (نشأت ابراهیم، ۱۹۸۱: ۳۷). ضابطه تشخیص کودک از غیر کودک از منظر حقوق کیفری ایران، در دختران سن کمتر از نه سال و در پسران سن کمتر از پانزده سال قمری است؛ از این حیث، کودک مسئولیت کیفری ندارد. از منظر دیگر می‌توان کودک را به اعتبار داشتن مسئولیت کیفری افتراقی تعریف نمود. از این حیث، نوجوان را باید ذیل عنوان کودک تبیین کرد. با توجه به مواد مربوط در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴، مبنای تفکیک مسئولیت کیفری افتراقی کودک از مسئولیت کیفری عام، سن کمتر از ۱۸ سال است (سبحانی و امیرحسینی، ۱۳۹۶: ۸۴). قانون‌گذار مصر نیز افرادی را که مرتکب جرمی می‌شوند و سن آن‌ها کمتر از ۱۸ سال است، تحت عنوان «حدث» می‌آورد که شامل کودک، نوجوان و جوان می‌شود. نوجوانان همان افرادی هستند که سن آن‌ها بین ۱۲ تا ۱۵ سال است و جوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن دارند (احمدعوین، ۲۰۰۹: ۱۸).

انواع اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در نظام کیفری ایران و مصر، شامل تسلیم کودک، نصیحت، اخطار و تذکر، اجرای اقدامات پیشگیرانه در جهت توانمندسازی کودک، نظارت قضایی و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و کانون توانمندسازی، در ادامه با نگاهی آسیب‌شناسانه مورد تبیین قرار می‌گیرند.

۱.۱. تسلیم کودک

محیط اجتماعی و خانوادگی نقش مهمی در رشد و ارضای توانمندی‌های کودکان دارد و شخصیت کودک در ساختار محیط اجتماعی و خانوادگی حاکم بر او شکل می‌گیرد (عبدالحمید، ۱۹۸۳: ۸۶). بنابراین با توجه به نقش این دو نهاد، اقدامات تأمینی و تربیتی متناسب با سن و اوضاع و احوال و شرایط کودک و نوجوان، در قوانین دو کشور ایران و مصر ذکر شده است. قانون‌گذار ایران در بخشی از ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «در باره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند: الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا

۱. مواد ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴ و ۹۵.

۲. مواد ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۲، ۴۱۵، ۲۸۵، ۲۸۶ و ۲۸۷.

نوجوان؛ ...». بند «ب» ماده ۲۴ قانون کودکان و نوجوانان مصر مقرر می‌دارد: «تسلیم کردن و سپردن کودک به یکی از والدینش یا هرکس که به ایشان ولایت دارد یا بر ایشان وصایت دارد»^۱. تصریح به «یکی از والدین» در قانون مصر به آن سبب است تا اولاً در مقام تعهد از ایشان بتواند خطاب قرارشان دهد و ثانیاً کسی تقصیر را متوجه دیگری نداند. حتی وصی را بر اشخاص دیگر ترجیح داده است، زیرا والدین مبتنی بر نوع تربیتی که برای طفل اتخاذ کرده‌اند، وصی را نیز انتخاب نموده‌اند. حتی کسی که به نحوی بر آن‌ها ولایت دارد، در قوه تربیت و کنترل طفل و در بازاجتماعی کردن وی نقشی بسزا می‌تواند ایفا کند. اما بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ایران «والدین» را مورد خطاب تکلیفی قانون‌گذار قرار داده است. هرچند که از یک سو، لفظ یادشده به معنای ضرورت تسلیم کودک به هر دو نفر آنها نیست و الفاظ جمع در قوانین، الزاماً مفید معنای جمع نیستند و می‌توان آن لفظ را حمل بر امکان تسلیم کودک به یکی از والدین کرد و از سوی دیگر، در مقام اجرا خطاب یکی از والدین دشوار به نظر می‌رسد؛ اما با تحلیلی که در حقوق مدنی، پدر را سرپرست خانواده دانسته است، شاید بتوان خطاب ماده را محدود به مقام پدر دانست. این درحالی است که در مقام اختلاف، چنانچه پدر و مادر، هر دو، متعهد در حسن اخلاق و تأدیب رفتار طفل شدند، اما پس از مدتی تعهد خود را انجام ندادند، برای اینکه دادگاه بتواند فرد مقصر را خطاب قرار دهد، امکان بروز اختلاف بین پدر و مادر وجود دارد. از این دیدگاه، به نظر می‌رسد که در مقام اجرای احکام، مقررات حاکم بر نظام کیفری کودکان و نوجوانان مصر در این خصوص دقیق‌تر تدوین یافته است.

۱.۲. نصیحت، اخطار و تذکر

بندهای «پ»، «ت» و «ث» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه؛ ت- اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم؛ ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرایم تعزیری درجه یک تا پنج». ماده ۲۴ قانون اطفال و نوجوانان مصر^۲ اقدامات تأمینی برای کودکان و نوجوانان را به صورت زیر بیان نموده است که عبارت‌اند از: «الف- سرزنش و نصیحت: دادگاه نسبت به رفتار ناپسندی که از

۱. ب- التسليم: ۱. بتسليم الحدث إلى أحد أبويه أو إلى من له الولاية أو الوصاية عليه؛ ۲. إذا لم يتوافر في أحد أبوي الحدث أو من له الولاية أو الوصاية عليه بالصلاحيه بالقيام بتربيته يسلم إلى من يكون أهلاً لذلك من أفراد أسرته فإن لم يتوافر ذلك يسلم إلى شخص مؤتمن يتعهد بتربيته أو إلى أسرة موثوق بها يتعهد عائلاً بذلك بعد موافقتهم على ذلك؛ ۳. يكون الحكم بتسليم الحدث إلى غير الملزم بالانفاق عليه لمدة لا تزيد على سنة.
۲. المادة ۲۴: من هذا القانون للمحكمة اتخاذ أي من التدابير غير السالبة للحرية التالية: أ. اللوم والتأنيب: بتوجيه المحكمة اللوم والتأنيب إلى الحدث على ما صدر عنه و تحذيره بأن لا يكرر مثل هذا السلوك مرة أخرى بشرط عدم الخط من كرامته.

ایشان صادر شده است، هشدار می‌دهد تا دوباره مرتکب چنین رفتاری نشود؛ البته مشروط به عدم تنزل دادن شأن و با حفظ منزلت انسانی طفل».

در تطبیق دو بند «پ» و «ث» ماده ۸۸ قانون ایران با بند «الف» ماده ۲۴ قانون مصر باید به مفهوم نصیحت از جانب قاضی و اخطار و تذکر توجه نمود. در این خصوص باید دقت داشت که مطابق قانون مصر، اخطار و تذکر با رعایت مقررات خاصی لازم است و شامل هرگونه اخطار، مثلاً اخطار تهدیدگونه‌ای که موجب تأثیرات سوء روانی و فرهنگی بر روحیه و رفتار کودک باشد، نمی‌شود؛ بلکه در قانون مصر، دامنه و شروط حاکم بر این تذکر و نصیحت مشخص شده است. دامنه یادشده به این شرح است که هرگونه تذکر و اخطار به هر شیوه و به هر طریق در قانون مصر ممنوع شده است و فقط تذکر و اخطاری می‌تواند از سوی قاضی دادگاه بیان شود که شأن و منزلت انسانی کودک در آن حفظ شود تا از این طریق بتواند اثر ترک رفتار مجرمانه و پیشگیری از بازتکرار آن را برای طفل در پی داشته باشد. بنابراین، نصیحت، اخطار و تذکر نباید از حدود و آداب عرفی خود تجاوز کند و موجب وهن شخصیت طفل شود (العوجی، ۱۹۸۶: ۸۲). این درحالی است که تصریح یادشده در قانون ایران مغفول مانده است؛ هرچند مطابق با اصل کرامت انسانی، رعایت آن لازم است، اما به موجب حساسیت موضوع کودکان و نوجوانان، شایسته تصریح قانون‌گذار به نظر می‌رسد.

۳.۱. اجرای اقدامات پیشگیرانه در جهت توانمندسازی کودک

تبصره بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید: ۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان؛ ۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی؛ ۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک؛ ۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه؛ ۵- جلوگیری از رفت‌وآمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین». در بندهای «ج»، «د»، «ه» و «و» از ماده ۲۴ قانون مصر نیز چنین مقرر شده است: «ج- کودک را به انجام خدمات عام‌المنفعه در یکی از سازمان‌هایی که خدمات عام‌المنفعه ارائه می‌دهد یا یکی از مؤسسات مردم‌نهاد ملزم می‌کند که البته مدت آن نباید از یک سال بیشتر باشد. د- فرستادن کودک به یکی از مراکز حرفه‌آموزی که وزارت

۱. ج: الإلزام بالخدمة للمنفعة العامة في أحد مرافق النفع العام أو إحدى مؤسسات المجتمع المدني التطوعي لمدة لا تزيد عن سنة .

توسعه اجتماعی آن را ایجاد کرده است که البته نباید کمتر از یک سال باشد.^۱ هـ- انجام اعمالی معین و امتناع از انجام اعمالی دیگر که نباید مدت آن از یک سال بیشتر باشد.^۲ و- فرستادن کودک به برنامه‌هایی که از سوی وزارت توسعه اجتماعی در جهت توانمندسازی ارائه می‌شود یا سازمان‌های مردم‌نهادی که این نوع از برنامه‌ها را ارائه می‌دهند.^۳ در تحلیل و مقایسه بندهای یادشده در نظام‌های حقوقی دو کشور باید اذعان داشت که در حقوق ایران تسلیم به والدین یا غیر والدین می‌تواند همراه با انجام تکالیفی باشد؛ حال آنکه در حقوق مصر، لزومی ندارد که تکالیف یادشده حتماً همراه با تسلیم کودک به شخص خاصی باشد، بلکه خود دادگاه می‌بایست کودک را به نهادی که به صورت تخصصی به انجام تکالیفی مانند ترک اعتیاد، درمان و حرفه‌آموزی مشغول است، بفرستد.

آنچه در مقام اجرا می‌تواند نظام حقوقی ایران را با چالش روبه‌رو سازد، این است که چه ضمانت اجرایی برای فرستادن کودک به این مراکز وجود دارد. از یک سو، قانون‌گذار هیچ ضمانت اجرایی برای نقض رفتار والدین پیش‌بینی نکرده است و از سوی دیگر، در صورت فرستاده نشدن کودک به این نهادها، نمی‌توان آن نهاد را مورد خطاب قرار داد. حتی اگر طفل نیز از سوی والدین به مراکز یادشده فرستاده شود، اما آن مراکز از قبول وی خودداری نمایند، یا حتی اگر قبول کنند اما نسبت به وظایف خود کوتاهی نمایند و کودک را در حرفه‌آموزی و... کمک نکنند، در این حالت نیز دادگاه کیفری نمی‌تواند مؤسسه یا نهاد یادشده را مورد خطاب قرار دهد و ضمانت اجرای عدم انجام دستور مقام قضایی را در قبال آن نهاد اتخاذ نماید؛ زیرا دادگاه نمی‌تواند به‌طور مستقیم طفل را برای حرفه‌آموزی به آن نهاد بفرستد، بلکه می‌بایست دستور دهد که طفل به‌طور غیرمستقیم و از طریق والدین یا هرکس که نگهداری طفل به وی سپرده شده است، به نهادهای پیش‌گفته فرستاده شود. این درحالی است که در نظام کیفری مصر، در مقام اجرا این چالش مطرح نمی‌شود؛ زیرا قاضی دادگاه می‌تواند به‌طور مستقیم نهاد حرفه‌آموزی و... را مورد خطاب قرار دهد و در صورت تخلفی از دستور دادگاه، ضمانت اجرای لازم را در قبال چنین نهادی اعم از کیفری یا انتظامی اتخاذ نماید.

۱.۴. نظارت قضایی

بند «ز» ماده ۲۴ قانون مصر نظارت قضایی را از اقدامات تأمینی می‌داند. با این توضیح که کودک در محیط طبیعی خود تحت نظارت و رسیدگی، همراه با انجام تکالیفی که دادگاه آن‌ها

۱. د: الإلحاق بالتدريب المهني في أحد المراكز المختصة التي يعتمدها الوزير لهذه الغاية لمدة لا تزيد عن سنة .

۲. هـ: القيام بواجبات معينة أو الامتناع عن القيام بعمل معين لمدة لا تزيد عن سنة.

۳. و: إلحاق الحدث ببرامج تأهيلية تنظمها الوزارة أو أي من مؤسسات المجتمع المدني أو أي جهة أخرى يعتمدها الوزير.

را مقرر کرده است، قرار می‌گیرد و مدت نظارت یادشده از یک سال بیشتر نخواهد بود. قانون‌گذار ایران نیز در این خصوص، تنها پنج نوع از اقدامات را برای اطفال کمتر از پانزده سال در نظر گرفته است. این پنج نوع عبارت‌انداز: تسلیم به والدین، تسلیم به اشخاص حقوقی یا حقیقی غیر از والدین، اخذ تعهد، نصیحت به وسیله قاضی، تذکر و اخطار همراه با اخذ تعهد. این در حالی است که قانون‌گذار مصر انواع دیگری را نیز مقرر کرده است که یکی از آن‌ها نظارت قضایی است که شاید بهترین نوع آن باشد. شایان ذکر است که نحوه عملکرد اجرایی این نوع از اقدامات تأمینی و تربیتی با توجه به نقشی که مددکار اجتماعی در اجرای این نوع قرار دارد، در بخش دیگری از این نوشتار بررسی خواهد شد. گفتنی است که اقدامات تأمینی و تربیتی یادشده در قانون مصر برای همه افراد، اعم از افراد کمتر از پانزده سال یا بیش از آن تا هجده سال قابل اعمال است.

۵.۱. کانون اصلاح و تربیت و کانون توانمندسازی

هدف از وضع قانونی خاص برای کودکان و نوجوانان، اصلاح و تربیت آنان است. اگرچه این هدف یک هدف کلاسیک برای اجرای تمام مجازات‌ها محسوب می‌شود، اما شاید بتوان اذعان داشت که در مجازات‌های کودکان، تنها غرض اقدامات تأمینی و تربیتی تبیین شده برای اطفال و نوجوانان، اصلاح و تربیت آنان است (عاذر، ۱۹۷۱: ۱۹۵). کانون اصلاح و تربیت نیز از دستاوردهای جرم‌شناسی نوین برای اصلاح و بازاجتماعی نمودن کودکان و نوجوانان است (خاطری، ۱۳۹۵: ۱۱۴). در ایران کانون‌های اصلاح و تربیت اماکنی هستند که برای نگهداری و تربیت کودکان و نوجوانان بزهکار از سوی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در مراکز استان‌ها و به تناسب نیاز و ضرورت با تشخیص رئیس قوه قضائیه در سایر مناطق کشور ایجاد شده‌اند یا ایجاد می‌شوند.^۱ هرگاه حسب گزارش مدیران کانون، رفتار و اخلاق کودک یا نوجوانی موجب فساد اخلاق همسالان دیگر گردد، در صورت احراز موضوع از جانب قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان و به دستور وی، کودک یا نوجوان یادشده در محل دیگری در همان قسمت نگهداری می‌شود و پس از اصلاح اخلاق و رفتار با دستور دادگاه به محل قبلی بازگردانده می‌شود.^۲ در حقوق ایران، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در خصوص کودکان ۱۲ تا ۱۵ سال، به‌عنوان یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی، و برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال، با عنایت به صدر ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، به‌عنوان یک مجازات مقرر شده است. در قانون مصر، کودکانی که کمتر از دوازده سال سن دارند و مرتکب جرم می‌شوند، به کانون

۱. ماده ۵۲۶ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی، ۱۳۹۴.

۲. ماده ۵۲۷ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی، ۱۳۹۴.

اصلاح و تربیت می‌روند؛ حال اگر سن آنان بیش از دوازده سال باشد، به کانون توانمندسازی فرستاده می‌شوند. ماده ۲۵ قانون کودکان و نوجوانان مصر در خصوص نوجوانان بین ۱۲ تا ۱۵ سال، اعم از دختر و پسر، مقرر می‌دارد: «الف: چنانچه نوجوان مرتکب جنایتی شود که مجازاتش اعدام باشد، باید به کانون توانمندسازی فرستاده شود که میزان آن بین ۸ تا ۱۲ سال است؛ ب: چنانچه نوجوان مرتکب جنایتی شود که مجازاتش انجام کارهای شاق ابدی باشد، می‌بایست به کانون توانمندسازی فرستاده شود که میزان آن بین ۵ تا ۱۰ سال است؛ ج: چنانچه نوجوان مرتکب جنایتی شود که مجازاتش اعمال شاقه موقت یا بازداشت باشد، می‌بایست به کانون توانمندسازی فرستاده شود که میزان آن بین ۳ تا ۵ سال است؛ د: چنانچه نوجوان مرتکب جنایتی شود که مجازاتش حبس باشد، باید به کانون توانمندسازی فرستاده شود که میزان آن یک‌سوم مجازات معین شده برای اشخاص بزرگسال است؛ ه: در صورت وجود عوامل تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات‌های یادشده را به بند «د» ماده مزبور تقلیل دهد یا اینکه به مجازات‌هایی که در ماده ۲۴ تعیین شد، محکوم نماید»^۵.

آنچه مبنای تقسیم‌بندی و تحلیل اجرای مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت قرار گرفته است، فارغ از شاخص سن، نوع مجازات است که در قانون مصر مبنای مجازات حبس و اعمال شاقه، اعم از دائم و موقت است؛ اما در حقوق ایران که نوع درجه‌بندی جرم متفاوت است، مبنای آن حبس، مجازات تعزیری، حد یا قصاص بودن مجازات است. بنابراین، شاید مقایسه آسیب‌شناسانه این دو نهاد در آغاز امر نامناسب به نظر برسد، اما لازم است بیان شود که آنچه مبنای بحث این مقاله است، اجرای حکم است که همان نگهداری در کانون اصلاح و تربیت می‌باشد.

در خصوص مجازات تعزیری افراد کمتر از ۱۲ سال، و ۱۲ تا ۱۵ سال، تبصره ۱ ماده ۸۸ قانون

۱. المادة ۲۵: أ. إذا اقترف الفتى جنایة تستوجب عقوبة الإعدام فيحكم عليه بوضعه في دار تأهيل الأحداث مدة لا تقل عن ثمانی سنوات ولا تزيد على اثنتی عشرة سنة.
۲. ب. إذا اقترف الفتى جنایة تستوجب عقوبة الأشغال الشاقة المؤبدة فيحكم عليه بوضعه في دار تأهيل الأحداث مدة لا تقل عن خمس سنوات ولا تزيد على عشر سنوات.
۳. ج. إذا اقترف الفتى جنایة تستوجب عقوبة الأشغال الشاقة المؤقتة أو الاعتقال فيحكم عليه بوضعه في دار تأهيل الأحداث مدة لا تقل ثلاث سنوات ولا تزيد على خمس سنوات.
۴. د. إذا اقترف الفتى جنحة تستوجب الحبس يوضع في دار تأهيل الأحداث مدة لا تتجاوز ثلث مدة العقوبة المنصوص عليها في قانون العقوبات.
۵. ه. للمحكمة، إذا توافرت أسباب مخففة تقديرية، ان تستبدل بأى عقوبة منصوص عليها في الفقرة (د) من هذه المادة أى من التدابير المنصوص عليها في المادة (۲۴) من هذا القانون؛ و. إذا اقترف الفتى مخالفة على المحكمة أن توجه له لوماً.

مجازات اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «تصمیمات مذکور در بندهای «ت»^۱ و «ث»^۲ فقط دربارهٔ اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است...». در مورد پسران بین ۱۲ تا ۱۵ سال، تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ایران، از حیث جرایمی که مجازاتشان قصاص یا حد است، چنین مقرر می‌دارد: «هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرایم موجب حد یا قصاص گردد، در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری سن داشته باشد، به یکی از اقدامات مقرر در بندهای «ت»^۳ یا «ث»^۴ محکوم می‌شود و در غیر این صورت، یکی از اقدامات مقرر در بندهای «الف» تا «پ» این ماده در مورد آن‌ها اتخاذ می‌گردد». همچنین در حقوق ایران دربارهٔ مجازات‌های تعزیری افراد ۱۵ تا ۱۸ سال در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌هایی مقرر شده است.

ماده ۲۶ قانون کودکان و نوجوانان مصر در مورد جوانانی که سن آن‌ها بین ۱۵ تا ۱۸ سال است، مقرر می‌دارد: «الف: چنانچه جوانی مرتکب جنایتی شود که مجازاتش اعدام باشد، می‌بایست به قانون توانمندسازی فرستاده شود که میزان آن ۶ تا ۱۰ سال است؛ ب: اگر جوانی مرتکب جنایتی شود که مجازاتش اعمال شاقه دائمی باشد، می‌بایست به قانون توانمندسازی فرستاده شود که میزان آن بین ۳ تا ۸ سال است؛ ج: چنانچه جوانی مرتکب جنایتی شود که مجازاتش اعمال شاقه موقت یا بازداشت باشد، می‌بایست به قانون توانمندسازی فرستاده شود که میزان آن بین ۱ تا ۳ سال است و اگر دادگاه عوامل مخففه بیابد می‌تواند مجازات جوان را به تدابیری که برای کودکان پیش‌بینی شده است تبدیل نماید؛ د: چنانچه جرم جنحه‌ای مرتکب شود، محکمه می‌بایست تدابیر یادشده در ماده ۲۴ را نسبت به جوان اعمال نماید»^۵.

قانون‌گذار ایران چون به تقسیم‌بندی فقهی پایبند است، در مورد افراد کمتر از هجده سال که مرتکب جرمی شوند که مجازاتش قصاص یا حد است، در ماده ۹۱ مقرر می‌دارد: «در جرایم

۱. اخطار و تذکر یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم.

۲. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت.

۳. اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم.

۴. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت.

۵. ماده ۲۶: أ. إذا اقترف المراهق جنایة تستوجب عقوبة الإعدام، فيحكم عليه بوضعه في دار تأهيل الأحداث مدة لا تقل عن ست سنوات ولا تزيد على عشر سنوات.

۶. ب. إذا اقترف المراهق جنایة تستوجب الأشغال الشاقة المؤبدة فيحكم عليه بوضعه في دار تأهيل الأحداث مدة لا تقل عن ثلاث سنوات ولا تزيد على ثمانی سنوات.

۷. ج. إذا اقترف المراهق جنایة تستوجب عقوبة الأشغال الشاقة المؤقتة أو الاعتقال فيحكم عليه بوضعه في دار تأهيل الأحداث مدة لا تقل عن سنة ولا تزيد على ثلاث سنوات وللمحكمة أن وجدت أسباباً مخففة تقديرية أن تستبدل بالعقوبة أيّاً من التدابير المنصوص عليها في المادة (۲۴) من هذا القانون.

۸. د. إذا اقترف المراهق جنحة فعلی المحكمة أن تفصل في الدعوى بأى من التدابير المنصوص عليها في المادة (۲۴) من هذا القانون؛ هـ. إذا اقترف المراهق مخالفة فعلی المحكمة أن توجه له لوماً.

موجب حد یا قصاص، هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال ماهیت جرم انجام‌شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در این فصل محکوم می‌شوند». این درحالی است که قانون‌گذار مصری خود را ملزم به تقنین برگرفته از چنین تقسیم‌بندی ندانسته، در قانون آن کشور نیز تجلی نیافته است.

در تحلیل مواد پیش‌گفته می‌توان اذعان داشت که قانون مصر به تفکیک کودکان ناسازگار از حیث مؤنث بودن و بلوغ شرعی نپرداخته، بلکه مقررات واحدی را در مقام اجرا برشمرده و این در حالی است که مقنن ایرانی جزئیات یادشده را مد نظر قرار داده است. همچنین در قانون مصر، همان‌طور که ذیل ماده ۲۴ بیان شد، انجام خدمات عمومی به‌عنوان یک اقدام تأمینی، تنها منحصر به افراد ۱۲ تا ۱۸ سال نیست، بلکه می‌تواند افراد زیر ۱۲ سال را نیز شامل شود. از سوی دیگر، نگهداری در ساعات معین در خانه و نیز در روزهای پایانی هفته در کانون، از جمله اقدامات تأمینی مقرر در حقوق کیفری ایران است که در نظام حقوقی مصر برای نوجوانان و جوانان پیش‌بینی نشده است.

۲. نقش مددکار اجتماعی و قاضی اجرای احکام در حقوق کیفری

ایران و مصر

مراقبت اجتماعی درواقع همگام‌سازی و تربیت کودک مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است و این را می‌توان غایت نظام تقنینی اقدامات تأمینی و تربیتی دانست (رضا اسماعیل، ۱۳۹۷: ۶۲) که مقنن طراحی نموده است. قانون‌گذار در جهت تحقق این هدف، دو منصب «قاضی اجرای احکام کیفری» و «مددکار اجتماعی» را پیش‌بینی کرده است. در ادامه، نقش مددکار اجتماعی، قاضی اجرای احکام کیفری و نقش مشترک ایشان با نگاهی آسیب‌شناسانه به نظام اجرای احکام کیفری ایران در تطبیق با حقوق مصر تشریح می‌شود.

۲.۱. نقش مددکار اجتماعی در قوانین کیفری ایران و مصر

در اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸ که متشکل از ۳۰ ماده است، ماده ۲۵ مقرر می‌دارد که برای همه کودکان، حق داشتن و بهره‌مندی از حمایت اجتماعی وجود دارد؛ لذا این وظیفه تمام دولت‌ها است که اسلوبی را به‌طور خاص در جهت رشد و پرورش اجتماعی کودکان و با هدف ممانعت از فساد اخلاقی و حفظ حیات جسمی آنان طراحی نمایند (منصور، ۱۴۲۱: ۷۲). برای تحقق تعهد یادشده در نظام اجرای احکام کیفری حقوق مصر و ایران، نهاد مددکاری اجتماعی وضع شده

است که در ادامه، ضمن مذاقه در ساختار این نهاد در حقوق کیفری مصر، با نگاهی آسیب‌شناسانه به حقوق کیفری ایران، به تشریح این نقش از منظر ویژگی‌ها، ارائه گزارش و نقش مددکار اجتماعی در فرایند تحقیق و دادگاه، نظارت قضایی و نقش مددکار اجتماعی، و نیز ضمانت اجرای وظایف مددکار اجتماعی پرداخته می‌شود.

۲.۱.۱. ویژگی‌ها

در نظام حقوق کیفری کشور مصر، مددکار اجتماعی باید در رشته روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی تخصص داشته باشد و لازم است در تمام مراحل تحقیق و محاکمه در کنار پلیس بوده، نسبت به تحقیقات اعتماد و توجه کافی داشته باشد و به ارزش و اعتبار این تحقیقات صحنه گذارد^۱ (عبدالنواب، ۱۹۹۷: ۲). بنابراین با توجه به نقشی که مددکار اجتماعی در هدایت و پرورش کودکان و جوانان بزهکار در جهت اجتماعی شدن و نوع برخورد متناسب با ویژگی شخصیتی کودکان دارد، این دو رشته می‌تواند مددکار اجتماعی را در دستیابی به هدف‌های یادشده رهنمون سازد.

در حقوق کیفری ایران اگرچه آیین‌نامه اجرایی مددکاری اجتماعی مصوب ۲۶ شهریور ۱۳۷۹ وجود دارد، اما بر اساس قانون مجازات همان دهه و مقررات موجود در قانون، تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۶ بهمن ۱۳۶۴ انجام گرفت. همچنین این مصوبه بیشتر ناظر به بحث زندان‌ها و قانون اصلاح و تربیت است؛ حال آنکه در قانون جدید مجازات اسلامی، نگهداری در قانون اصلاح و تربیت یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی پیش‌بینی شده برای کودکان و نوجوانان است. از سوی دیگر، مددکار اجتماعی در قانون سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ و در آیین‌نامه قانون اصلاح و تربیت مصوب ۲۴ مهر ۱۳۴۵ نیز برای زندانیان دارای سن بیش از ۱۸ سال است^۲. بنابراین هنوز قانون یا آیین‌نامه خاصی در جهت مددکاری اجتماعی

۱. المادة ۱۰: أ. ينشأ مكتب لمراقب السلوك في كل محكمة على أن يكون أحد موظفيه متخصصاً في علم النفس أو الاجتماع.

ب. يراعى ما أمكن اعتماد مراقب السلوك الذي تم استدعاؤه لدى شرطه الأحداث لجميع مراحل التحقيق والمحكمة إذا كان يعمل في الاختصاص المكاني ذاته.

۲. در این آیین‌نامه نیز تنها به وظایف کلی مددکار اجتماعی بدون بیان اینکه چه ضمانت اجرایی برای این وظایف پیش‌بینی شده است و نیز بدون اینکه تبیین شود که این گزارش‌ها باید در کدام مرحله از مراحل دادرسی ارائه شود و حتی چه آثار و جایگاهی برای گزارش مددکار اجتماعی در نظام تقنینی و اجرایی حقوق کیفری اطفال و نوجوانان برای آن‌ها مقرر شده است، در سال ۱۳۴۵ تصویب شده است که به نظر می‌رسد با توجه به مقررات‌گذاری در مورد کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۹۲، لازم است که سازوکارهای اجرایی این نهاد نیز متناسب با شرایط و نیازهای تقنینی تشریح و تبیین گردند.

قضایی متناسب با مقررات فصل دهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ایران تصویب نشده است. شایان ذکر است که در صورت تقنین و تصویب در جهت تعیین اشخاص واجد شرایط این پست قضایی-اجتماعی، ضروری است که تخصص مددکاران در این دو رشته (روان‌شناسی و جامعه‌شناسی) جزء شرایط صلاحیت داشتن این پست سازمانی باشد.

۲.۱.۲. ارائه گزارش و نقش مددکار اجتماعی در فرایند تحقیق و دادگاه

توجه این نوشتار به نقش مددکار اجتماعی در فرایند تحقیق را باید به آن سبب دانست که نقش یادشده هم در بحث پیشنهاد اقدامات و هم در اجرای اقدامات و نظارت بر آنها مؤثر است. از آنجا که بزهکاری معلول عوامل فردی و اجتماعی متعددی است، اعمال واکنش کیفری مؤثر به نحوی که بتواند زمینه اصلاح و درمان بزهکار را فراهم آورد، مستلزم بررسی و شناخت اوصاف شخصیتی وی خواهد بود (شاملو و حسینی، ۱۳۹۹: ۷۶). در نظام حقوق کیفری کودکان و نوجوانان کشور مصر، مددکار اجتماعی می‌بایست در زمان انجام تحقیقات مقدماتی از سوی ضابطین، گزارشی را شامل ویژگی‌ها و اوضاع و احوال شخصی، خانوادگی، اجتماعی و فضای روانی خانواده‌ای که طفل در آن رشد یافته است و همچنین شرایط فضای مدرسه و تحصیلی و علمی ایشان تهیه کند و آن را هر زمان که دادگاه صادرکننده رأی لازم بداند، تقدیم کند^۱ (طلعت عیسی، بی تا: ۳۱۱). دادگاه بر اساس گزارش مددکار اجتماعی و با حفظ احترام به حقوق کودک و روش‌های اصلاح و بازاجتماعی شدن وی، برای مصلحت کودک تصمیم می‌گیرد^۲. چنانچه دادگاه با توجه به ادله ابرازی و بیانات شهود، نظر بر محکومیت کودک داشت، مددکار اجتماعی می‌تواند نظر خود را نسبت به نقض و عدم اعتبار آنها ارائه دهد^۳. در نظام حقوق کیفری ایران، در مرحله انجام تحقیقات و ارائه گزارش در مرحله صدور رأی (دادرسی)، نقشی برای مددکار اجتماعی مشاهده نمی‌شود؛ هرچند که ذیل فصل «رسیدگی در

۱. المادة ۱۱: أ. علی مراقب السلوك أن يقدم للمدعي العام عند مباشرة التحقيق تقريراً خطياً مفصلاً يتضمن المعلومات المتعلقة بأحوال الحدث وأسرته والظروف المحيطة به بما في ذلك المادية والاجتماعية والبيئية التي نشأ وترى فيها، وبمدرسته وتحصيله العلمي، وعلی مراقب السلوك تقديم تقارير لاحقاً للمحكمة بهذا الخصوص كلما استدعت الحاجة ذلك.

۲. المادة ۱۸: تراعى المحكمة مصلحة الحدث الفضلى بناء على تقرير مراقب السلوك والبيانات المقدمة فى القضية بما فى ذلك احترام حقوق الحدث وسبل اصلاحه وإدماجه فى المجتمع.

۳. المادة ۲۲: و. إذا تبين للمحكمة بعد الانتهاء من سماع بيّنات الإثبات أن البيئة غير كافية لإدانة الحدث فعليها إصدارها قرارها ببراءته أو عدم مسؤوليته حسب مقتضى الحال، أما إذا تبين لها وجود دليل ضد الحدث فعليها أن تستمع إلى إفادته وبياناته الدفاعية بحضور محاميه فى القضايا الجنائية، وبمساعدة وليه أو وصيه أو مراقب السلوك فى قضايا الجنح والمخالفات، ثم تصدر قرارها.

دادگاه اطفال و نوجوانان»، در ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، صرفاً از حضور «مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی» در جلسه رسیدگی دادگاه اطفال و نوجوانان سخن گفته است، اما آنچه مد نظر است، نقشی کارا تر و نهادی کنشگرانه تر از نقش پیش‌بینی شده برای مددکار اجتماعی در ماده یادشده است. همچنین، همان‌گونه که بیان خواهد شد، پیش‌بینی نقش «مشاور» در دادگاه‌های کودکان و نوجوانان مستند به مواد ۲۹۸ و ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، نمی‌تواند جایگاه ویژه و مؤثر «مددکار اجتماعی» را ایفا نموده، جایگزین آن تلقی شود. آنچه باید در مقام آسیب‌شناسی نظام کیفری ایران بیان گردد، این است که اگر مددکار اجتماعی در مرحله تحقیقات مقدماتی و صدور رأی، از فرایند و ادله ارتكابی جرم آگاه نشود و گزارش خود را در خصوص اوضاع و احوال اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و روانی طفل یا نوجوان خطاکار ارائه ندهد، از منظر برگزیدن اقدام تأمینی متناسب با شرایط متهم و اثربخشی نقش نظارتی مددکار اجتماعی، می‌تواند آثار سوئی را برای دادگاه داشته باشد؛ زیرا نظارت بدون آگاهی بر شرایط متهم سبب خواهد شد که نوع رفتار اتخاذی از جانب مددکار اجتماعی در خصوص کودک یا نوجوان با شرایط وی هماهنگ نباشد. از این حیث، توانمندسازی اجتماعی که هدف غایی اجرای احکام کیفری است، محقق نخواهد شد. با وجود این، در ماده ۱۹۰ و تبصره ۳ ماده ۲۸۸ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۳۵۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ماده ۴۱۱ آیین‌نامه کانون اصلاح و تربیت مصوب ۱۳۸۴، به‌طور مبهم از عنوان «گزارش» استفاده شده است. در خصوص مقصود قانون‌گذار از «گزارش مددکار اجتماعی» یادشده در بند ۳ ماده ۸۸ و ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی، می‌توان پرسید که این گزارش در کدام مرحله می‌تواند تقدیم دادگاه شود و ضمانت

۱. دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت، یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک‌سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید.
۲. در مورد تصمیمات اشاره‌شده در بندهای «الف» و «ب» ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به‌عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع کودک یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت کودک یا نوجوان اقتضا کند، در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.
۳. قضات دادگاه اطفال و نوجوانان مکلفاند برای بررسی وضعیت قضایی مددجویان و طرز تعلیم و تربیت و پیشرفت اخلاقی آنان، حداقل هر ماه یک بار از کانون اصلاح و تربیت حوزه محل خدمت خود بازدید به‌عمل آورند. این امر مانع اجرای وظایف قانونی دادستان نیست.
۴. کانون اصلاح و تربیت در هر حوزه دارای یک نفر مدیر و برای هر یک از قسمت‌های آموزش، نگهداری موقت و اصلاح و تربیت و زندان، دارای یک نفر مسئول خواهد بود و به تعداد کافی پزشک، روان‌پزشک، روان‌شناس متخصص، مددکار اجتماعی، مربی، آموزگار و آموزگار تعلیمات حرفه‌ای، کارمند دفتری، پزشک‌یار و مراقب تربیتی و انتظامی در اختیار خواهد داشت.

اجرای گزارش مددکار اجتماعی در نظام حقوق کیفری ایران چیست و این گزارش در اجرای دستورات قضات دادگاه‌ها چه نقشی می‌تواند ایفا نماید.

در پاسخ به ابهامات پیش‌گفته می‌توان اذعان داشت که ماده ۹۰ قانون یادشده ناظر به نقش مددکار اجتماعی است که در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و کانون تعلیم و تربیت مقرر شده است. بنابراین، به آن سبب که مقررات این آیین‌نامه تنها ناظر به اقدام تأمینی و تربیتی نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است، مددکار اجتماعی می‌بایست تنها در خصوص کودکانی که از سوی دادگاه به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شوند، اقدام به تهیه گزارش نماید و این گزارش می‌تواند پس از صدور حکم دادگاه تهیه شود؛ حال آنکه نسبت به کودکان و نوجوانان دیگر که به سایر انواع اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم شوند، امکان تهیه گزارش نیست.

با توجه به منطوق و صراحت تبصره بند ۳ ماده ۸۸، این تبصره ناظر به نقش نظارتی مددکار اجتماعی بر اقدامات تأمینی و تربیتی تسلیم کودک به والدین یا غیر از والدین است. بنابراین با توجه به تعهدی که والدین یا دیگر اشخاص در تأدیب، تربیت و مواظبت به حسن اخلاق کودک دارند و همچنین تعهدات یادشده در تبصره بند «الف» ماده ۸۸، مددکار اجتماعی در قالب ناظر بر چگونگی ایفای تعهدات، گزارش خود را مبنی بر موفقیت والدین یا دیگر متعهدان در بازاجتماعی کردن طفل در جامعه، به دادگاه صادرکننده حکم ارسال می‌نماید تا از این طریق ضمانت اجرایی بر بندهای «الف» و «ب» ماده ۸۸ باشد. بنابراین، چنانچه این متعهدان، اعم از والدین و غیر آنها، از تعهداتشان تعدی نمایند، دادگاه می‌تواند به تغییر شخص متعهد اقدام کند تا طفل را از اینکه در معرض بزه‌دیدگی یا بزهکاری قرار گیرد، باز دارد.

اگرچه در قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بحثی در خصوص گزارش مددکار اجتماعی در مراحل تحقیق، چه در دادسرا و چه در دادگاه، بیان نشده است، با وجود این، مقرراتی در دو قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار و قانون اصلاح و تربیت که هر دو در دهه ۱۳۴۰ تصویب شده‌اند، وجود دارد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود: برای مثال، در ماده ۷ قانون مربوط به تشکیل دادگاه‌های اطفال مصوب ۱۳۳۸، امکان استفاده دادگاه از متخصصان فنی یا افراد مورد اعتماد برای انجام تحقیقاتی در خصوص وضع مزاجی یا روحی کودکان یا والدین آنها یا وضع خانوادگی کودک و محیط معاشرت او پیش‌بینی شده است.^۱ همچنین در ماده ۴ قانون کانون اصلاح و تربیت مصوب ۱۳۴۵، برای مدت توقیف کودک در قسمت نگهداری موقت، تحقیق درباره سوابق خانوادگی، اجتماعی و خصوصیات اخلاقی کودک از

۱. چنانچه تحقیقاتی درباره وضع مزاجی یا روحی کودکان یا پدر و مادر آنان یا وضع خانوادگی کودک و محیط معاشرت او لازم شود، دادگاه کودکان می‌تواند تحقیقات یادشده را خود یا به هر وسیله‌ای که مقتضی بداند، انجام دهد و یا نظر اشخاص صلاحیت‌دار را جلب کند. دادگاه کودکان نیز می‌تواند از متخصصان فنی یا افراد مورد اعتمادی که قادر باشند این تحقیقات را انجام دهند استفاده نماید.

سوی مددکاران اجتماعی پیش‌بینی شده است که در نهایت یک نسخه از گزارش یادشده به دادگاه تقدیم خواهد شد.^۱ اگرچه مقررات مصوب در دهه ۱۳۴۰، تنها ناظر به اقدامات تأمینی و تربیتی نگهداری کودکان در کانون اصلاح و تربیت بوده است، اما می‌توان نقش گزارش مددکار اجتماعی را به دادرسی و صدور کیفرخواست نیز تسری داد. با وجود این، لازم است که مقررات جدید متناسب با انواع اقدامات تأمینی مقرر شده در قانون مجازات اسلامی در خصوص مددکار اجتماعی و جایگاه گزارش‌های وی در مراحل تحقیق، تعقیب، دادرسی و اجرای حکم تقنین شود.

۲. ۱. ۳. نظارت قضایی و نقش مددکار اجتماعی

در حقوق کیفری کودکان و نوجوانان مصر، مددکار اجتماعی در منطقه‌ای که کودک در آن سکونت دارد، متولی نظارت و تذکر دادن به وی در طول ایام اجرای تدابیر است.^۲ نظارت قضایی قضایی از سوی مددکار اجتماعی انجام می‌شود و این نظارت دارای اصول و شرایطی است که در ادامه بیان می‌شود.^۳ «دادگاهی که حکم به نظارت قضایی می‌دهد، مددکار اجتماعی را که در مدت زمان نظارت قضایی بر رفتار نوجوان نظارت می‌کند، تعیین می‌نماید و چنانچه مددکار اجتماعی نتواند به تکالیفش عمل کند، قاضی اجرای احکام کیفری یک مددکار اجتماعی دیگر را جایگزین وی می‌نماید.^۴ دادگاه یک نسخه را که در مورد گزارشی مبنی بر چگونگی و شرایط نظارت قضایی است، برای مددکار اجتماعی و یک نسخه را برای خود کودک و یک نسخه دیگر

۱. در مدت توقیف کودک در قسمت نگهداری موقت از نظر اجرای ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار به‌وسیله مددکاران اجتماعی کانون، درباره سوابق خانوادگی، اجتماعی و خصوصیات اخلاقی طفل، تحقیقات لازم به‌عمل خواهد آمد و از نظر وضع جسمانی، روانی، میزان قوه درسی و استعداد حرفه‌ای، به‌وسیله متخصصان کانون مورد معاینه قرار خواهند گرفت. مجموعه سوابق جمع‌آوری شده در شورایی با حضور مدیر کانون و متخصصانی که از کودک معاینه به‌عمل آورده‌اند، بررسی خواهد شد و گزارش نهایی که متضمن خصوصیات واقعی شخصیت کودک و تدابیر پیشنهادی درباره وی خواهد بود، در دو نسخه تنظیم می‌شود که یک نسخه از آن به دادگاه اطفال ارسال خواهد شد و نسخه دیگر در پرونده وی در کانون باقی خواهد ماند. در این پرونده، تصمیمات دادگاه و گزارش‌های واصله مربوط به کودک و نتیجه تحقیقات و معایناتی که از طرف مددکاران اجتماعی و متخصصان تهیه می‌شود، نگهداری خواهد شد. پرونده یادشده شامل دو قسمت قضایی و اجتماعی خواهد بود.

۲. ج. يتولى مراقب السلوك فى المنطقه التى يسكنها الحدث توجيهه والإشراف عليه، طيلة المدة الباقية من التدابير الصادرة بحقه.

۳. المادة ۲۴: لإشراف القضاة: ويكون بوضع الحدث فى بيئته الطبيعية تحت التوجيه والإشراف مع مراعاة الواجبات التى تحددها المحكمة ولا يجوز أن تزيد مدة الإشراف القضاة على سنة، وذلك وفقاً للإجراءات التالية.

۴. تعين المحكمة التى تصدر أمر الإشراف مراقب السلوك الذى يشرف على الحدث أثناء مدة المراقبة، وإذا تعذر على المراقب المذكور القيام بواجباته لأى سبب يجوز لمدير المديرية أن يطلب من قاضى تنفيذ الحكم تعيين مراقب آخر لتنفيذ أمر الإشراف.

را نیز برای ولی یا وصی یا قائم مقام آنها می‌فرستد^۱. دادگاه وقتی رأی به نظارت قضایی بر کودک صادر می‌کند، زمان‌هایی را جهت ارائه گزارش از مددکار اجتماعی در خصوص وضعیت کودک تعیین می‌کند^۲. چنانچه قرار نظارت قضایی برای دختر بچه صادر شود، مددکار اجتماعی نیز باید خانم باشد^۳. بعد از اینکه گزارش مددکار اجتماعی در خصوص کودک به قاضی دادگاه ارائه شد، دادگاه مجاز است که در صورت درخواست مددکار اجتماعی یا خود کودک یا والدین وی مبنی بر لغو نظارت قضایی یا تغییر نوع آن، تصمیم بگیرد^۴. مادامی که در حین اجرای نظارت قضایی مشخص شود که کودک به جرمی که مجازات اصلی آن غیر از جزای نقدی است محکوم شده، یعنی در واقع دارای سابقه قضایی بوده است، دادگاه مجاز به لغو حکم نظارت قضایی می‌باشد^۵».

قرار نظارت قضایی می‌تواند تضمین‌کننده اجرای دستورات دادگاه و سایر احکام دادگاه در خصوص کودکان باشد؛ هرچند در نظام حقوق کیفری ایران و در قوانین کیفری حاکم بر جرایم کودکان، قرار یادشده - به شرحی که گذشت - وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد که قانون‌گذار ایرانی باید در جهت دستیابی به اهدافی که از وضع اقدامات چندگانه داشته است، قرار نظارت قضایی را یک قرار به‌عنوان مکمل سایر احکام تلقی نماید. به این صورت که تمام اقدامات تنبیهی لازم را که در مواد ۸۸ و ۸۹ ذکر شده است، الزاماً به‌صورت توأمان با قرار نظارت قضایی صادر نماید تا این قرار نقش تضمین‌کننده اجرای سایر احکام کیفری را داشته باشد. البته شاید در مواردی حتی بتوان قرار نظارت قضایی را به‌تنهایی نیز تجویز کرد. بنابراین، سایر اقدامات تأمینی بدون قرار نظارت قضایی نمی‌توانند در نیل به هدف قضایی قانون‌گذار از طراحی نظام افتراقی اطفال و نوجوانان تأثیر بسزایی داشته باشند.

۲.۱.۴. ضمانت اجرای وظایف مددکار اجتماعی

در نظام حقوق کیفری کودکان و نوجوانان مصر، چنانچه مددکار اجتماعی به انجام وظایفی که برای ایشان تعریف شده است پایبند نباشد، دادگاه می‌تواند از وزیر توسعه اجتماعی درخواست

۱. تسلیم المحکمة نسخة من أمر الإشراف القضائي إلى مراقب السلوك ونسخة أخرى إلى الحدث وترسل نسخة منه إلى وليه أو وصيه أو القائم على رعايته.
۲. تحدد المحکمة عند إصدار أمر الإشراف المدة الزمنية للأمر وعدد التقارير المطلوب من مراقب السلوك تزويدها بها عن حالة الحدث.
۳. إذا تقرر فرض أمر الإشراف القضائي على أنثى وجب أن يكون مراقب السلوك أنثى.
۴. يجوز للمحکمة التي أصدرت أمر الإشراف، وبناء على طلب من مراقب السلوك، أو من الحدث أو وليه، أن تلغي الأمر المذكور أو أن تعدله، بعد أن تطلع على تقرير مراقب السلوك في هذا الشأن.
۵. يجوز للمحکمة إلغاء أمر الإشراف إذا أدين الحدث بجرم أثناء نفاذ هذا الأمر ما لم تكن عقوبة الفعل الأصلية الغرامة.

جایگزین کردن آن با یک مددکار اجتماعی دیگر را بدهد.^۱ در قوانین کیفری ایران، هرچند به‌طور اجمالی در تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۸۸ از مددکار اجتماعی سخن به‌میان آمده، اما برای تکالیف مددکار اجتماعی ضمانت اجرایی در نظر گرفته نشده است که این نقص نظام حقوق اجرای احکام کیفری ایران نیز شاید در عدم تبیین دقیق جایگاه مددکار اجتماعی، وظایف و تکالیف وی در نظام حقوق کیفری اطفال ایران باشد.

۲.۲. نقش قاضی اجرای احکام در مقررات ایران و مصر

با عنایت به اهمیت نقش قاضی اجرای احکام کیفری در نیل به اهداف حقوق کیفری افتراقی کودکان و نوجوانان، نقش قاضی یادشده از حیث نظارتی، ارائه گزارش، پیشنهاد تغییر حکم دادگاه و ضمانت اجرای عدم رعایت دستورات دادگاه، در ادامه با نگاهی آسیب‌شناسانه مورد واکاوی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که عدم وضع تکالیف پیش‌گفته برعهده قاضی اجرای احکام کیفری در نظام حقوق کیفری ایران را نمی‌توان حمل بر عدم امکان اعمال موارد یادشده در نظام حقوقی ایران نمود. توضیح آنکه در نظام حقوقی ایران، قاضی صادرکننده رأی به‌عنوان یک ناظر بر اجرای آن نیز محسوب می‌شود و بر این اساس، بسیاری از وظایفی را که در حقوق مصر برعهده قاضی اجرای احکام کیفری قرار داده شده است، در نظام حقوق کیفری ایران می‌توان در وظایف قاضی صادرکننده رأی مستتر دانست.

۲.۲.۱. نقش نظارتی همراه با ارائه گزارش

در نظام حقوق کیفری مصر، قاضی اجرای احکام می‌بایست ضمن اجرای احکام مختص به کودکان، هر سه ماه یکبار گزارشی از اوضاع و احوال کودکان به رئیس شورای قضایی و وزیر توسعه اجتماعی تقدیم نماید.^۲ قاضی اجرای احکام باید به اجرای تدابیر و احکامی که برای کودک صادر شده است، بپردازد و به‌صورت مستمر، شرایط و دستورات اجرای حکم را به کودک تأکید کند و تکالیف لازم را برای مددکار اجتماعی تقریر نماید و گزارش‌های لازم را به قاضی صادرکننده حکم نیز ارائه کند.^۳ این درحالی است که مطابق بند «الف» ماده ۴۸۹ قانون آیین

۱. المادة ۱۱: إذا أخل مراقب السلوك بأى من الواجبات الموكولة إليه فللمحكمة طلب استبداله بغيره ومخاطبة الوزير لاتخاذ الإجراء التأديبي المناسب بحقه.

۲. المادة ۲۷: على قاضى تنفيذ الحكم المختص زيارة دور الأحداث ورعاية الأحداث المنصوص عليها فى هذا القانون ضمن اختصاصه بصورة دورية كل ثلاثة أشهر على الأقل على أن يقدم تقريراً عن تلك الزيارة لرئيس المجلس القضائى ونسخة منه للوزير.

۳. المادة ۲۹: أ. يتولى قاضى تنفيذ الحكم بعد صدور الحكم المتعلق بالأحداث المهام والصلاحيات التالية: ۱. مراقبة

دادرسی کیفری، وظیفه «نظارت بر شیوه اجرای احکام لازم‌الاجرای کیفری» یکی از وظایف قاضی اجرای احکام کیفری، به‌طور کلی و بدون اختصاص آن به اجرای احکام اطفال و نوجوانان دانسته شده است؛ اما چنان‌که از مواد مربوط به وظایف قاضی اجرای احکام کیفری در قانون یادشده نیز مستنبط است، قاضی اجرای احکام کیفری مکلف به ارائه گزارش‌های نوبتی یا دوره‌ای به مرجع خاص نیست و از این جهت می‌توان تکلیف قاضی اجرای احکام کیفری بر اجرای احکام لازم‌الاجرا را نوعی تکلیف کلی و دور از نظارت‌های پسینی بر وی دانست که ساختار ویژه انجام تکلیف نظارتی وی در قانون آیین دادرسی کیفری روشن به‌نظر نمی‌رسد. توضیح آنکه در نظام حقوق کیفری ایران، وظیفه قاضی اجرای احکام کیفری به نظارت بر اجرای احکام یادشده برای کودکان و نوجوانان به‌صورت افتراقی و با ساختار ویژه پیش‌بینی نشده است.

۲.۲.۲. پیشنهاد تغییر حکم دادگاه در جهت متناسب‌سازی آن با شرایط کودک و نوجوان

مطابق حقوق کیفری مصر، بنابه درخواست مدیر کانون اصلاح و تربیت، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند در خصوص کودکی که به ماندن در کانون اصلاح و تربیت تا هجده‌سالگی محکوم شده است، به دلیل ضرورت اتمام دوره حرفه‌آموزی، نسبت به تمدید مدت اقامت وی در کانون اصلاح و تربیت تا بیست‌سالگی اقدام نماید^۱. در کانون اصلاح و تربیت، مدیر دادگاه می‌تواند به قاضی اجرای احکام یا دادگاه در جهت صدور یا تغییر رأی کودک مبنی بر فرستاده شدن وی به مؤسسات عام یا خاص جهت تحصیل یا حرفه‌آموزی و بازگشت ایشان در پایان روز به کانون اصلاح و تربیت پیشنهاد بدهد^۲. قاضی اجرای احکام پس از مشورت بر اساس نظر مدیر کانون اصلاح و تربیت، می‌تواند حکم به آزادی کودک پس از تحقق شروط ذیل صادر کند. این شروط عبارت‌اند از: حسن خلق کودک در کانون اصلاح و تربیت؛ گذشت یک‌سوم مدت محکوم‌به؛ آزادی وی، خود کودک را در معرض خطرهایی از جمله آسیب جسمی قرار ندهد؛

تنفیذ ای تدبیر أو إجراء يحکم به علی الحدث وفقاً لأحكام هذا القانون أو التشريعات النافذة؛ ۲. التثبت وبشكل مستمر من تقيد الحدث بشروط تنفيذ الحكم وله أن يقوم بتكليف مراقب السلوك بذلك وتقديم ما يلزم من التقارير. ب. يكون الحدث طليقاً أثناء مدة تنفيذ الحكم غيرالسالب للحرية.

۱. المادة ۳۰: ب. يجوز لقاضي تنفيذ الحكم بناء على طلب خطي من مدير المديرية أن يمدد بقاء المحكوم عليه الذي أتم الثامنة عشرة من عمره في دار تأهيل الأحداث إلى أن يكمل العشرين من عمره لإتمام تعليمه أو تدريبه المهني (آموزش حرفه‌ای).

۲. المادة ۳۱: ب. يجوز لمدير الدار بموافقة مدير المديرية، أن يلحق أي حدث في الدار بأي مؤسسة عامة أو خاصة ليتابع تحصيله العلمي أو المهني فيها، على أن يعود إلى الدار بعد الانتهاء من ذلك يوماً؛ ج. على مدير المديرية إعلام المحكمة أو قاضي تنفيذ الحكم حال اتخاذ أي إجراء يتم وفقاً لأحكام هذه المادة والتعليمات الصادرة بهذا الخصوص.

کودک به جرمی که مجازات اصلی آن اعدام یا انجام اعمال شاقه به مدت ۵ سال یا بیشتر است، محکوم نشده باشد^۱. این در حالی است که مطابق مقررات موجود در نظام حقوق کیفری ایران، مقررات ویژه‌ای برای پیشنهاد عفو، تخفیف مجازات، آزادی مشروط و... از سوی قاضی اجرای احکام کیفری پیش‌بینی شده است؛ اما هیچ‌یک از آنان به صورت افتراقی برای کودکان و نوجوانان و متناسب با اقدامات تأمینی و تربیتی ناظر به آنان در نظر گرفته نشده است. توضیح آنکه آنچه در مواد ۲۴، ۵۸، ۸۰، ۸۱ و ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یا مواد ۵۵۲، ۵۵۳ و ۵۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مشاهده می‌شود، پیش‌بینی امکان پیشنهاد تخفیف یا تشدید مجازات در مرحله اجرای حکم از سوی قاضی اجرای احکام کیفری ناظر به عموم بزه‌کاران است و آنچه در قانون مصر ناظر بر جرایم کودکان و نوجوانان به صورت افتراقی پیش‌بینی گردیده است، در قانون ایران مشاهده نمی‌شود و افق اصلاح قانون ایران را می‌توان در پیش‌بینی سازوکارهای افتراقی تخفیف یا تشدید مجازات در مرحله اجرای احکام از سوی قاضی اجرای احکام کیفری ترسیم نمود.

۲.۲.۳. ضمانت اجرا و رعایت دستورات دادگاه از سوی کودک یا نوجوان

در حقوق کیفری مصر، در صورتی که کودک منوط به اجرای شروطی آزاد شده باشد، چنانچه قاضی اجرای احکام پس از تحقیق برایش محرز شد که کودک به شروط قرار آزادی پایبند نیست، به لغو قرار آزادی و بازگشت وی برای اتمام مدت تدابیر سالب آزادی حکم می‌نماید^۲. این شرط تضمین‌کننده تمام اقدامات تأمینی و تربیتی است. با این عبارت که چنانچه کودک از اقداماتی تأمینی و تربیتی که در ماده ۲۴ تبیین شده است تخطی نماید، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند با توسل به این ماده، اقدامات مقرر شده برای کودک را تضمین کند.

۱. المادة ۳۲: أ. لقاضی تنفيذ الحكم بعد الاستئناس برأی مدیر دار تأهیل الأحداث أن یفرج عن أی حدث محکوم ضع فیها، وفقاً للشروط التالية مجتمعة: ۱. أن یكون الحدث حسن السلوك خلال إقامته فی الدار؛ ۲. أن لا تقل المدة التي قضاها الحدث فی الدار عن ثلث المدة المحکوم بها؛ ۳. أن لا يؤدي الإفراج عن الحدث تعريض حیاته أو سلامته للخطر؛ ۴. أن لا یكون محکوماً بجريمة عقوبتها الأصلية الإعدام أو الأشغال الشاقة لمدة خمس عشرة سنة أو أكثر؛ ب. مع مراعاة أحكام الفقرة (أ) من هذه المادة، على قاضی تنفيذ الحكم مراجعة حالات المحکوم عليهم من الأحداث بتدابیر سالبة للحرية دورياً كل ثلاثة أشهر وذلك لدراسة إمكانية الإفراج عنهم وفقاً للشروط المشار إليها فی الفقرة (أ) من هذه المادة.

۲. د. فی حال تبين لقاضی تنفيذ الحكم أن الحدث غير ملتزم بشروط الإفراج فعلى القاضی تنبيهه بضرورة التقيد بذلك وله الحق فی إلغاء قرار الإفراج و إعادة الحدث لاستكمال مدة التدبير السالب للحرية، بحيث تحسم منها مدة الإفراج التي كان الحدث فيها متقيداً بشروطه وفقاً للإجراءات المنصوص عليها فی هذه المادة.

۳.۲. نقش مشترک قاضی اجرای احکام و مددکار اجتماعی در خصوص

کودکان در معرض خطر

عوامل متعددی ماورای مخالفت کودک با قانون گذار وجود دارد. از این حیث لازم است که به نقش شرایط حاکم بر اوضاع و احوال خانوادگی، اجتماعی و شخصی فرد توجه شود. در این راستا، نظام قانونی حاکم بر کودکان باید به نظامی در جهت محافظت و مراقبت اطفال از حیث تنظیم و رشد محیط اجتماعی و خانوادگی تربیت آنان تبدیل شود (جمعه، ۱۳۹۷: ۱۶). در حقوق مصر، به منظور پیشگیری و ممانعت از درونی شدن فرایندها و ویژگی‌های مجرمانه، برای قاضی اجرای احکام کیفری و مددکار اجتماعی در قبال کودکان و نوجوانان در معرض بزهکاری، وظایفی در قالب نقش مشترک بر شمرده شده است که به از بین رفتن فرصت‌های مجرمانه می‌انجامد: «اطفال که به حمایت و نظارت نیازمندند، عبارت هستند از: الف. طفلی که تحت ولایت و سرپرستی شخصی است که شایستگی و توانایی تربیت وی را ندارد؛ از جمله این‌که مرتکب جرایم متعدد می‌شود یا اینکه از مواد مخدر و مست‌کننده که مؤثر در نفی قوای عقلی و جسمی است، استفاده می‌نماید یا این‌که خود فرد مرتکب جرم اخلاقی شده است؛ ب. چنانچه طفل به اعمالی که مرتبط با فسق، فساد اخلاقی، قمار و هر عمل غیرمشروع دیگر روی بیاورد، یا این‌که با افرادی که مرتکب افعال زشت و اعمال مجرمانه می‌شوند، هم‌نشین شود؛ ج. چنانچه طفل محلی برای استقرار و سکونت نداشته و در خیابان بیتوته کند؛ د. چنانچه طفل وسیله مشروعی برای زندگی ندارد یا این‌که فاقد خانواده است یا این‌که یکی از والدینش مرده‌اند یا زندان یا غایب هستند؛ ه. چنانچه طفل مرتکب اعمال سوء می‌شود و از سلطهٔ ابوی یا سرپرست خود خارج شده است؛ ز. چنانچه به اعمال مزاحم‌گونه برای افراد جامعه و بیهوده روی بیاورد؛ ح. چنانچه از جانب والدینش مورد آزار و اذیت قرار بگیرد؛ ط. چنانچه در معرض

۱. المادة ۳۳: يعتبر محتاجاً إلى الحماية أو الرعاية الحدث الذي تنطبق عليه أي من الحالات التالية...
۲. أ. إذا كان تحت رعاية شخص غير مؤهل للعناية به، لاعتياده الإجرام أو إدمانه السكر أو المواد المخدرة والمؤثرات العقلية أو انحلاله الخلقي أو أدين بارتكاب جرم مخل بالآداب مع أي من أبنائه أو أي من العهود إليه برعايتهم.
۳. ب. إذا قام بأعمال تتعلق بالدعارة أو الفسق أو إفساد الخلق أو القمار أو أي أعمال غير مشروعة أو خدمة من يقومون بهذه الأعمال أو خالط الذين اشتهر عنهم سوء السيرة أو استغل بأى منها بما فى ذلك أعمال التسول أو الاستجداء.
۴. ج. إذا لم يكن له محل مستقر أو كان يببب عادة فى الطرقات.
۵. د. إذا لم يكن له وسيلة مشروعة للعيش أو لم يكن له عائل مؤتمن وكان والده أو احدهما متوفين أو مسجونين أو غائبين.
۶. ه. إذا كان سء السلوك وخارجاً عن سلطة أبيه أو وليه أو وصيه أو أمه أو كان الولي متوفياً أو غائباً أو عديم الأهلية.
۷. ز. إذا كان بائعاً متجولاً أو عابثاً بالنفايات.
۸. ح. إذا تعرض لإيذاء مقصود من والديه أو أى منهما بشكل تجاوز ضروب التأديب التى يبيحها القانون والعرف العام.

آسیب جسمی در خانواده قرار گیرد؛ ی. چنانچه مرتکب جنحه یا جنایت شود درحالی که هنوز هشت سال ندارد^۲». در این راستا، قاضی اجرای احکام کیفری بر اساس گزارش مدیر کانون اصلاح و تربیت یا کانون توانمندسازی و گزارش مددکار اجتماعی مبنی بر اینکه کودک در معرض خطر ارتکاب جرم قرار دارد، در دو حالت به فرستادن کودک به کانون نگهداری و حمایت از وی حکم می‌نماید: ۱. کودک از دسته موارد یادشده در ماده ۳۳ باشد، ۲. مدت برنامه‌های تعلیمی و تربیتی وی به اتمام نرسیده باشد^۳. چنانچه مشخص شود که شخصی که مسئول تأمین نفقه خانواده است، نیازمند حمایت می‌باشد، وزیر توسعه اجتماعی باید شرایطی را فراهم کند تا نیازهای کودک در جهت تأمین نفقه مسئول خانواده تأمین شود. بنابراین کانون اصلاح و تربیت متولی نظارت بر کودک در جهت رشد و تربیت وی است^۴. چنانچه قاضی اجرای احکام مصلحت کودکی را که در معرض خطر قرار گرفته و نیازمند به مراقبت و حمایت است، در نگهداری در کانون اصلاح و تربیت بداند، مبتنی بر همین دیدگاه عمل می‌کند^۵. مراقبت بعدی پس از اتمام دوره کانون اصلاح و تربیت یا کانون توان‌بخشی، در جهت بازگشت و همخوان شدن کودک با جامعه انجام خواهد شد^۶.

در حقوق کیفری ایران مقرره‌ای وجود ندارد که وظیفه قاضی اجرای احکام کیفری و

۱. ط. إذا كان معرضاً لخطر جسيم حال بقائه في أسرته .
۲. ی. إذا لم يتم الثانية عشرة من عمره وارتكب جنحة أو جنابة.
۳. المادة ۳۴: أ. لقاضي التنفيذ وبناء على تقرير مدير المديرية المستند إلى تقرير مراقب السلوك وبعد تنفيذ مدة المحكومية أن يقرر إحالة الحدث المحتاج الرعاية إلى دار رعاية الأحداث في أي من الحالتين التاليتين: ۱. إذا كان محتاجاً للحماية أو للرعاية وفقاً لأحكام المادة (۳۳) من هذا القانون وبناء على قرار قاضي تنفيذ الحكم؛ ۲. إذا لم يتم مدة التعليم أو التدريب في البرامج التي التحق بها. ب. لقاضي تنفيذ الحكم إذا اقتنع بصحة الأسباب الواردة في الفقرة (أ) من هذه المادة وبناء على تقرير مدير المديرية ان يصدر قراراً باعتبار الحدث محتاجاً للرعاية والحماية.
۴. المادة ۳۹: أ. مع مراعاة ما ورد في الفقرة (ب) من هذه المادة تتولى دار رعاية الأحداث التي عهد إليها أمر العناية بالحدث المحتاج للحماية أو الرعاية حق الإشراف عليه وتكون مسؤولة عن إعالته ويبقى تحت عنايتها وإن طلب والده أو أي شخص آخر إعادته؛ ب. إذا تبين أن الشخص المسؤول عن نفقة إعالة الحدث المحتاج إلى الحماية أو الرعاية في وسعه أن يقدم نفقة إعالته، كلياً أو جزئياً، فللوزير أو من يفوضه خطياً بذلك وبالنيابة عن الحدث المحتاج للحماية أو الرعاية اتخاذ ما يلزم لمباشرة الإجراءات القضائية لدى الجهات المختصة لإلزام ذلك المسؤول بالنفقة وفقاً لما تحدده تلك الجهات.
۵. المادة ۴۰: لقاضي تنفيذ الحكم ان يخرج أي حدث محتاج للحماية أو الرعاية عهد به إلى أي دار رعاية الأحداث، وفق شروط يحددها لهذه الغاية إذا رأى أن مصلحة الحدث المحتاج للحماية أو الرعاية تقتضي ذلك.
۶. المادة ۴۱: تقدم الرعاية اللاحقة للحدث بعد انتهاء مدة إيداعه في دار تربية الأحداث أو دار تأهيل الأحداث أو دار رعاية الأحداث لضمان اندماجه في المجتمع وحمايته من الجنوح على أن تحدد أسس الرعاية اللاحقة وإجراءاتها بموجب نظام يصدر لهذه الغاية.

مددکار اجتماعی را نسبت به کودکان و نوجوانانی که در معرض بزهکاری و حتی بزه‌دیدگی هستند، صریحاً تعیین نماید و آن‌ها را به شناسایی و اتخاذ تدابیر و اقدامات تأمینی و تربیتی در قبال آنها مکلف سازد. البته لازم به ذکر است که مطابق ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، کودکان و نوجوانان در معرض خطر برشمرده شده‌اند که تقریباً شبیه مقررۀ ماده ۳۳ قانون مصر است. قانون یادشده به ایجاد دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان برای همکاری با سایر نهادها و تهیه گزارش‌های موردی یا ادواری انجام مطالعات و تحقیقات آماری - اطلاعاتی تکلیف نموده است.^۱ در این قانون اگرچه به مددکار اجتماعی به صورت نهادی مجزا اشاره نشده است، اما بخش‌هایی از وظایف قاضی اجرای احکام و مددکار اجتماعی که در قانون مصر در قبال کودکان و نوجوانان در معرض خطر تشریح شد، در این قانون برعهده نهادهایی چون سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی و سازمان زندان‌ها گذاشته شده است.^۲ هرچند شاید بتوان چنین گفت که سازمان‌های یادشده نیز اقدامات تکلیفی را از سوی مددکاران اجتماعی آن سازمان انجام می‌دهند، اما می‌توان میان استفاده از کارشناسان مددکار اجتماعی با تأسیس نهادی تخصصی و مستقل با عنوان مددکاری اجتماعی و وضع تکلیف برعهده آن، تفاوت قائل شد. بنابراین در تحلیل قانون یادشده در تناسب با موضوع بررسی این نوشتار باید بیان کرد که این قانون ذیل ماده ۶، چندین نهاد را متولی امر حمایت از کودکان و نوجوانان قرار داده و در خصوص وظایف هر نهاد، تنها به ذکر عبارات کلی بسنده کرده است. از سوی دیگر، در قانون یادشده جایگاه مددکاری اجتماعی و نقش آن به‌طور دقیق و جایگاه آن در فرایند دادرسی و اجرای احکام تشریح نشده است؛ آن‌گونه که در خصوص جایگاه مددکار اجتماعی در این قانون، می‌توان شاهد رویکرد ضابطانگاری مددکار اجتماعی نیز در موارد بزه‌دیدگی کودکان بود. با وجود مراتب مشروح در این نوشتار، قانون یادشده می‌تواند در جهت تقویت داشته‌های خود و نیز جبران نقصان در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان، از مقررات کیفری حاکم بر نظام اجرای احکام کیفری اطفال و نوجوانان کشور مصر، به‌خصوص نقش و جایگاه مددکاری اجتماعی و قاضی اجرای احکام در خصوص اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی کودکان و نوجوانان بهره‌مند گردد. هرچند در حال حاضر نیز این قانون می‌تواند امیدبخش پیشگیری از بزه‌دیدگی یا بزهکاری ثانوی باشد، زیرا موجب کاهش خطرها و جبران آسیب‌های ناشی از جرم برای کودک و نوجوان در معرض خطر یا بزه‌دیده می‌شود.

۱. ماده ۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان.

۲. ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان.

نتیجه

مواد تقنین شده در خصوص اطفال و نوجوانان در نظام حقوق کیفری ایران می‌تواند در بازپروری و رشد کودکان و نوجوانان مؤثر باشد و در این راستا، راهکارهای اجرایی برای مقررات یادشده پیش‌بینی شده است، اما این مقررات در مرحله اجرای احکام کیفری با چالش‌های اجرایی مواجه می‌شوند. این پژوهش در مقایسه اقدامات تأمینی و تربیتی و نظام اجرای احکام کیفری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و مصر، چالش‌شناسی نظام حقوق کیفری ایران را در این خصوص مد نظر قرار داده است تا از این رهگذر، اولاً چالش‌های یادشده را شناسایی نموده، ثانیاً در جهت اصلاح چالش‌های نظام اجرای احکام کیفری کودکان و نوجوانان ایران پیشنهادهایی را به‌منظور کاربست به شرح زیر ارائه نماید:

۱. از اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ایران، نصیحت، اخطار و تذکر همراه با تعهد است. این درحالی است که در مقام اجرا، در صورت عدم تأثیر نصیحت یا تذکر و حتی عدم انجام تعهدات از جانب کودک یا نوجوان، ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده و همچنین تفاوت نصیحت و اخطار بیان نشده که شرایط و دامنه آن‌ها چگونه است و در خصوص چه رفتارهایی این نوع از اقدامات تأمینی و تربیتی باید اتخاذ شود. شایسته است که قانون‌گذار بر اساس گزارش‌هایی که مبنی بر چگونگی رفتار کودک و نوجوان پس از حکم دادگاه و از جانب مددکار اجتماعی و قاضی اجرای احکام تهیه می‌شود، ضمانت اجرایی مانند نظارت قضایی را برای اقدامات تأمینی و تربیتی یادشده در نظر بگیرد و همانند قانون‌گذار مصر دامنه و شرایط اقدامات پیش‌گفته را تشریح نماید. توضیح آنکه در مقررات کیفری ایران، قرار دستور نظارت قضایی که یکی از مهم‌ترین وظایف مددکاران اجتماعی است، تقنین نشده است. بنابراین در کنار تمام انواع اقدامات تأمینی، وجود قرار نظارت نیز ضروری است تا بتواند ضامن اجرای دستورات دادگاه باشد و قانون‌گذار را در نیل به هدف نهایی خود که همانا توانمندسازی اجتماعی و نهادینه‌سازی ارزش‌های اجتماعی در شخصیت وجودی کودکان و نوجوانان است، موفق سازد.

۲. در خصوص تسلیم کودک به والدین و غیر آنها، تعهدات پیش‌بینی شده دارای ضمانت اجرا نیست و از سوی دیگر، اقدامات پیشگیرانه در جهت توانمندسازی کودک و نوجوان که در تبصره بند «الف» ماده ۸۸ پیش‌بینی شده است، علاوه بر اینکه فاقد ضمانت اجراست، خود دادگاه نمی‌تواند به‌طور مستقیم مؤسسات یادشده در تبصره را خطاب حکم خود قرار دهد. در جهت رفع این دو آسیب، بهتر است قانون‌گذار ایران مانند قانون‌گذار مصر، بر اساس گزارش مددکار اجتماعی و قاضی اجرای احکام، ضمانت

اجرای اقدامات تأمینی را وضع نماید و در صورت تخلف از دستورات، به تغییر نوع قرار تأمین اقدام کند یا اینکه سپردن به والدین را به سپردن به غیروالدین تبدیل نماید. همچنین قانون گذار می‌بایست اقدامات پیش‌بینی شده در تبصره ۱ بند «الف» ماده ۸۸ را به گونه‌ای تقنین نماید که قاضی دادگاه بتواند مؤسسات یادشده در تبصره را به‌طور مستقیم مورد خطاب قرار دهد تا از این طریق بتواند ضمانت اجرای عدم انجام دستور مقام قضایی را در خصوص این مؤسسات اتخاذ نماید.

۳. اگرچه در مقررات مختلف، از جمله آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴، آیین‌نامه اجرایی مددکاری اجتماعی مصوب ۱۳۷۹ و آیین‌نامه قانون اصلاح و تربیت مصوب ۱۳۴۵، از مددکار اجتماعی نام برده شده است، اما برای جایگاه، ویژگی و نقش آن در نظارت بر فرایند تحقیقات، اجرای احکام، گزارش‌دهی، آثار گزارش بر نقش قاضی و ضمانت اجرای تکالیف وی، مقرره‌های نظام‌بخش طراحی نشده است که این خود می‌تواند به عدم اجرای نقش مددکار اجتماعی به‌علت مبهم بودن و غیرمشخص بودن جایگاه وی در نظام کیفری حاکم بر جرایم اطفال و نوجوانان بینجامد. در آیین‌نامه قانون اصلاح و تربیت مصوب ۱۳۴۵ نیز تنها به وظایف کلی مددکار اجتماعی پرداخته شده است؛ بدون بیان اینکه چه ضمانت‌های اجرایی برای این وظایف پیش‌بینی شده است و این گزارش‌ها در کدام مرحله از مراحل دادرسی باید ارائه شود و حتی چه آثار و جایگاهی برای گزارش مددکار اجتماعی در نظام تقنینی و اجرایی حقوق کیفری اطفال و نوجوانان وجود دارد. بنابراین، به قانون‌گذار ایران پیشنهاد می‌شود که با توجه به مقررات‌گذاری در خصوص کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۲، نهادهای اجرایی این نهاد را متناسب با شرایط و نیازهای تقنینی، به‌روز و کارآمد تبیین نماید. در این راستا شایسته است که قانون‌گذار نسبت به ایجاد سازوکار قانونی گزارش‌دهی مددکار اجتماعی، تصریح به اثر گزارش‌های مددکار اجتماعی در مراحل مختلف دادرسی و پیش‌بینی ضمانت اجرا برای تکالیف وضع شده برعهده مددکار اجتماعی، اقدام نماید.

۴. با وجود قانون کشور مصر، در نظام حقوق کیفری ایران، سازوکار ویژه‌ای برای نظارت قضایی اجرای احکام کیفری بر مددکاران اجتماعی وجود ندارد و از سوی دیگر تکلیفی نیز برعهده قاضی اجرای احکام کیفری در خصوص گزارش‌دهی نسبت به چگونگی اجرای احکام دادگاه اطفال و نوجوانان وضع نشده است. با عنایت به چالش یادشده، شایسته است که در نظام کیفری اطفال و نوجوانان ایران همانند مصر، نقش قضایی اجرای احکام کیفری کودکان و نوجوانان از حیث تکلیف به گزارش‌دهی در خصوص چگونگی انجام دستورات دادگاه و از منظر تکلیف به نظارت بر انجام وظایف مددکاران اجتماعی، تصریح شود.

۵. در حقوق کیفری ایران مقرره‌ای وجود ندارد که وظیفه قاضی اجرای احکام کیفری و مددکار اجتماعی را نسبت به اطفال و نوجوانانی که در معرض بزهکاری و حتی بزه‌دیدگی هستند، صریحاً تعیین نماید و آن‌ها را به شناسایی و اتخاذ تدابیر و اقدامات تأمینی و تربیتی در قبال آن‌ها مکلف سازد. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز در این خصوص دچار چالش‌هایی است که آن را با قانون مطلوب فاصله‌دار می‌سازد. بر این اساس، بهتر است که در نظام اجرای احکام کیفری ایران همانند کشور مصر، در خصوص کودکان در معرض بزه‌دیدگی و بزهکاری، نقشی مشترک برای مددکار اجتماعی و قاضی اجرای احکام کیفری، از حیث گزارش‌دهی به دادگاه و اتخاذ دستورات و اقدامات لازم در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال، تقنین شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. احمدی، حبیب (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
۲. باهری، محمد و داور، میرزا علی‌اکبرخان (۱۳۸۰). *نگرشی بر حقوق جزای عمومی*، تهران: مجد.
۳. رفیعیان، لیلی (۱۳۹۰). *موانع اجرای احکام در حقوق کیفری ایران*، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمود آخوندی، دانشکده حقوق دانشگاه قم.
۴. سبحانی، حسین و امیرحسینی، امین (۱۳۹۶). «رویکردی نوین به مسئولیت مدنی سرپرست در قبال بزهکاری اطفال در نظام حقوقی ایران با نگاهی به فقه امامیه»، فصلنامه مطالعات پلیس زن، ش ۶.
۵. سگل، لری (۱۳۷۹). «نظریه واکنش اجتماعی برچسب زنی و تعارضی»، ترجمه جعفر محمدپور، مجله امنیت، ش ۱۱ و ۱۲.
۶. شاملو، باقر و حسینی، انسیه (۱۳۹۹). «حق بر سلامت روان کودکان و نوجوانان بزهکار در پرتو عدالت کیفری افتراقی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۹۲.
۷. خاطری، برهان (۱۳۹۵). *فرایند دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار در رویکرد جدید قانون‌گذاری*، تهران: انتشارات خرسندی.
۸. مدنی قهفرخی، سعید و زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۰). *آسیب شناسی حقوق کودکان در ایران*، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۹. مهرا، نسرین (۱۳۸۴). «حمایت‌های حقوقی - کیفری از اطفال در برابر بزهکاری در حقوق ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نکوداشت استاد دکتر مهدی شهیدی.

١٠. مهرا، نسرين (١٣٨٥). «قوانين و مقررات كىفرى ايران در قبال اطفال و نوجوانان بزهار حال و آينده»، الهيات و حقوق، ش ٢٠.
١١. هاشمى خانعباسى و سيد على وروكا، حامد (١٣٩٣). «بررسى مبانى فقهى حقوقى مجازت‌هاى جاىگزين اطفال بزهار و تطبيق با اسناد بين‌المللى»، فقه و تاريخ تمدن ملل اسلامى، ش ٣٩.

ب) عربى

١. احمد عوين، زينب (٢٠٠٩م). قضاء الأحداث دراسه المقارنه، عمان: دار الثقافه.
٢. بسيسو، الدكتور سعدى (بى.تا). «ابحاث الحقوقيه تقرير الجنه الاجتماعيه للاحداث»، مجله القانون، العدد ١١.
٣. جمعه، رابع لطفى (١٣٩٧). «قانون الاحداث الجديد»، مجله الأمن العام، شوال ١٣٩٧.
٤. راشد، محمدطاهر (١٩٢٧م). «اقتراحات و تعليقات على قوانين الاحداث الجنائيه فى مصر»، مجله المحاماه، السنه السابعه، ابريل ١٩٢٧.
٥. رضا اسماعيل، حميد (١٣٩٧). «المراقبه الاجتماعيه و الرعايه الاحقه الأحداث»، الأمن العام، العدد ٦.
٦. عازر، عادل (١٩٧١م). «حول مشروع قانون الأحداث»، مجله جنايته القوميه، العدد ٢.
٧. العانى، شاکر (١٩٥١م). «محكمه الأحداث»، مجله القضاء، السنه التاسعه.
٨. عبدالتواب، الدكتور معوض (١٩٩٧م). شرح قانون الأحداث المصرى، الطبعة الثالثه، الإسكندريه.
٩. عبدالحليم، احمد (١٩٣٨م). حقوق الطفل العربى، المستقبل العربى، العدد ٤٩.
١٠. العوجى، الدكتور مصطفى (١٩٨٦م). الحدث المنحرف أو المههد بانحراف فى التشريعات العربيه، بيروت.
١١. عويس، سيد (١٩٦٩م). «دراسات تطبيقيه تشريعات الاحداث فى مصر من جهه نظر علم الاجتماع القانونى»، مجله الجنائيه القوميه، المجلد الثانى عشر.
١٢. المحامى، سيد الدكتور هاشم خالد (١٩٨٨م). «تنفيذ الاحكم الاجنبيه فى مصر»، مجله المحامات، العدد ٣ و ٤.
١٣. طلعت عيسى، محمد؛ فتح‌الباب، عبدالعزيز؛ سليمان، عدلى (بى.تا). الرعايه الاجتماعيه لأحداث المنحرفين، القايره.
١٤. المرصى، فتح‌الله (١٩٥٥م). «دوره تربيه الأحداث فى مصر»، مجله التربيه الحديثه، السنه التاسعه و العشرون.

١٥. منصور، احمد جاد (١٤٢١ق). «حمایه حقوق الاحداث و توفير الرعايه اللاحقه للمفرح عنهم و أسرهم في إطار حمايه حقوق الإنسان» مجله الأمن العام، العدد ٨.
١٦. الميداني، رياض (١٩٥٤م). «أبحاث الحقوقيه محاكم الأحداث»، مجله حقوق القانون، العدد ٢.
١٧. نشأت ابراهيم، دكتور اكرم (١٩٨١م). «جنوح الأحداث عوامله الوقائيه و العلاجيه لمواجهه»، مبحث البحوث الاجتماعيه و الجنائيه، عدد ١.